



سردر ورودی به قلعه و شهر تبریز (علیدوست، ۱۳۷۶: ۵۶)

بررسی انسان‌شناختی فرهنگ شهری در تبریز

اصغر ایزدی جیران (دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران)

مقدمه

استان آذربایجان شرقی با جمعیت ۳۵۲۷۲۶۷ نفر از استان‌های ترک‌نشین ایران است که در ناحیه شمال غربی آن واقع شده است. شهرستان تبریز با جمعیت ۱۵۵۷۲۴۱ نفر یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که در غرب استان واقع شده و مرکز آن شهر تبریز است. این شهرستان دارای ۹ شهر، ۱۴ دهستان و ۱۶۰ آبادی است. شهرستان تبریز دارای دو بخش (مرکزی و بخش خسروشهر) و ۴ شهر (تبریز، سردرود، باسمنج، خسروشهر) و ۵ دهستان (آجی‌چای، میدان‌چای، اسپران، سردصحرا و لاهیجان) و ۶۹ روستا است.

جغرافیا: شهر تبریز با جمعیت ۱۳۷۸۹۳۵ نفر «بر گوشه شمال شرقی دشتی به وسعت ۳۰۰۰ کیلومتر مربع به ارتفاع تقریبی ۱۳۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است؛ این دشت محصور در میان کوه‌ها و تپه‌ها با شیب ملایمی تا دریاچه ارومیه در مغرب ادامه می‌یابد» (رئیس‌نیا، ۱۳۷۸: ۹۷۳). تبریز در «گوشه شرقی جلگه‌ای رسوبی واقع و توسط چند رودخانه آبیاری می‌شود» (مینورسکی، ۱۳۳۷: ۲) که مهم‌ترین آنها آجی‌چای (تلخ‌رود) و میدان‌چای (مهران‌رود) است. مرزهای طبیعی این جلگه را رشته کوه میشو در شمال غربی، کوه مورو و ارتفاعات عینالی در شمال، رشته کوه قره‌داغ در شمال شرقی، ارتفاعات نرمیق در شرق، رشته کوه بزقوش در جنوب شرقی و دامنه‌های سه‌نند در جنوب تشکیل می‌دهند. موقعیت شهر تبریز به عنوان مرکز ثقل و چهارراه ارتباطی منطقه آذربایجان از یک طرف و معتدل بودن آب و هوا و حاصلخیزی خاک از طرف دیگر همواره تبریز را به مثابه «سرزمین مساعد» (رضازاد، ۱۳۸۰: ۱۴) در ایران از نظر همگان مطرح می‌سازد.^۱

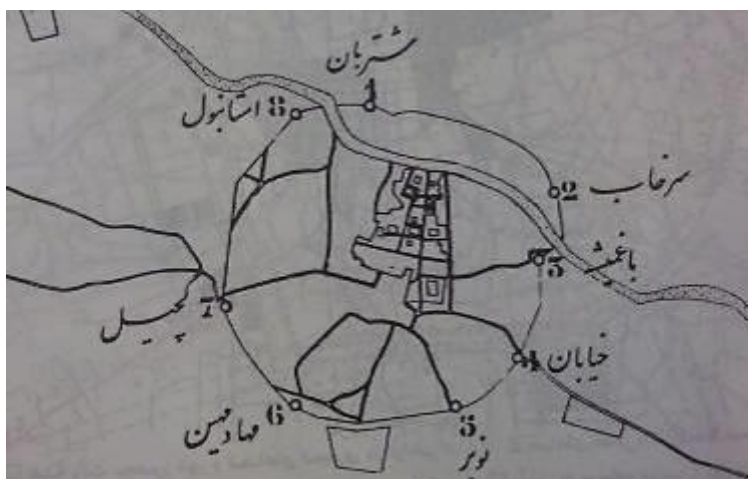
واقع شدن تبریز بر مسیرهای اصلی شرقی- غربی بازرگانی جاده ابریشم به عنوانی مرکز اصلی تجاری در شمال غرب ایران (عظیمی، ۱۹۹۵: ۷۲) و در دوره‌های بعد اهمیت سیاسی شهر به سبب ولیعهدنشینی در دوره قاجار (ر. ک.

۱. ر. ک. شاردن، ۱۳۳۵؛ تاورنیه، ۱۳۶۸؛ اولناریوس، ۱۳۶۳؛ مشکور، ۱۳۵۲؛ نادر میرزا، ۱۳۷۳.

پورحسین، ابراهیم (۱۳۸۵) آذربایجان ولیعهدنشین، تبریز: شایسته)، خیزش‌های اجتماعی- سیاسی خصوصاً نقش عمده آن در عمیق‌تر کردن انقلاب مشروطیت (فوران، ۱۳۸۶: ۴۰۸)، پدیدآمدن برخی فعالیت‌های مدنی برای اولین بار و ... همگی تبریز را به عنوان مرکز رویدادهای مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ایران تبدیل کرده‌است. به همین سبب تبریز در سال ۱۹۹۰ به عنوان یکی از ۵ مرکز تاریخی و فرهنگی از سوی مرکز عالی کشاورزی و توسعه شهری^۲ انتخاب می‌شود (عظیمی، ۱۹۹۵: ۶۸).

موقعیت جغرافیایی این شهر چنان است که در تمام طول تاریخ آن را به محل تلاقی تمدن‌های باستانی تا دوران معاصر بدل ساخته‌است. اصلی‌ترین راه‌های ارتباطی شرق و غرب و شمال و جنوب، از چین و اروپا و از مصر به روسیه عبور کرده و یکی از شهرهای بزرگ بر سر راه جاده ابریشم بوده‌است. این موقعیت ممتاز و جایگاه ویژه آن در جلگه سرسبز و آباد تبریز، در کنار دریاچه ارومیه، تبریز را همواره مرکزی بزرگ و آباد برای مبادله ساخته‌است (اسمعیلی سنگری، ۱۳۸۶: ۳۳).

با کشف گورستان چندطبقه‌ای در جوار گوی‌مچید (مسجد کبود) تبریز در سال ۱۳۷۸ قدمت ۲۷۰۰ ساله مرقوم در کتیبه سارگن دوم حداقل به ۳۵۰۰ سال رسید (رضازاد، ۱۳۸۰: ۳۵ و ۶۲). لذا تبریز یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران و حتی جهان است. چنین پیشینه تاریخی نشان از وجود شیوه زیست یا فرهنگ شهری در تبریز است که اصول و قواعد، پدیده‌ها و عناصر متناسب با آن را پدید آورده‌است. بافت تاریخی شهر در اطراف بازار قدیمی شهر و مهران‌رود واقع شده‌است. درب‌های هشت‌گانه قدیمی تبریز شامل سرخاب، شتریان، استانبول، گجیل، مهادهمین، نوبر، خیابان و باغمیشه است که تشکیل‌دهندگان باروی قدیمی شهر بوده‌اند.



درب‌های نگاهانه قدیمی تبریز (مأخذ: طرح جامع تبریز، در سلطان‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۹)

تبریز دومین شهر صنعتی کشور پس از تهران به‌شمار می‌آید. این شهر به‌دلیل صنعتی‌بودن، یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر کشور محسوب می‌شود. تبریز یکی از مهم‌ترین مراکز صنعتی و تجاری ایران است و در زمینه صنعت نساجی، ماشین‌سازی و پتروشیمی فعالیت گسترده‌ای دارد. فرش تبریز به‌علت طراحی ویژه و کیفیت بالا دارای شهرت جهانی است که صادرات آن یکی از منابع قابل توجه ارزی به‌شمار می‌آید.

فرهنگ شهری تبریز

زیست شهری تبریز را در سه حوزه مهم اقتصاد، فرهنگ و جامعه می‌توان ترسیم کرد؛

حوزه اقتصاد: از اصلی‌ترین عناصر حیات شهری تبریز بایستی به بازار سنتی تبریز که بزرگترین بازار مسقف و مجموعه سرپوشیده جهان است اشاره کرد. بازار تبریز که در بافت مرکزی شهر قرار گرفته، با وسعت یک کیلومتر با قدمت بیش از هزار سال از عوامل شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر فرهنگ شهری تبریز است. بازار دارای ۲۰ راسته و

راسته‌بازار، ۳۵ سرا و کاروان‌سرا، ۲۵ تیمچه، ۱۱ دالان، ۱۲ مدرسه، ۳۰ مسجد، ۵ باب حمام، ۵۵۰۰ مغازه، حجره و فروشگاه و ۴۰ صنف از اقسام مشاغل را در بر می‌گیرد (خاماچی، ۱۳۸۶: ۱۹۶). بازار تبریز همواره یکی از نشانه‌های وسعت، اهمیت و بزرگی شهر تبریز بوده‌است.

با این اوصاف به یک تعبیر بازار تبریز خون جاری در کالبد شهر است چنانکه اگر خللی در کارکرد آن صورت گیرد خود را به سرعت در زندگی اجتماعی نشان می‌دهد. بازار با جای دادن انواع اصناف و مشاغل و نیز گروه‌های اجتماعی مختلف در واقع باز نمودکننده فرهنگ شهر است. روابط و شبکه‌های ارتباطی بین‌فردی از یک طرف و باورها و افکار از طرف دیگر نمودی است از رفتارها و افکار ساکنین شهر. بازاریان تبریز فعالیت‌های گسترده خیریه‌ای دارند و این امر یکی از علل شهرت تبریز به شهر بی‌گداست. علاوه بر این بازاریان نقش بسیار مهم فرهنگی نیز بر عهده دارند و آن حمایت از فعالیت‌های فرهنگی- هنری است. بازار با بنیه اقتصادی قوی به تشویق و تأکید بر حفظ فرهنگ سنتی آذربایجانی می‌پردازد و این پدیده باعث می‌شود تا بازار تبریز صرفاً از منظر اقتصادی خارج شده و به سوی مشارکت فعال در نظام‌های فرهنگی و هویتی حرکت کند.

اگر وسعت بسیار زیاد بازار را تصور کنیم که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از شهر را در مشاغل گوناگون تجاری و تولیدی در خود جای داده‌است، آنگاه می‌توان فهمید که شهروندان بسیاری در قالب بازار به حفظ، استمرار و پشتیبانی از فرهنگ زیست سنتی می‌پردازند. فراتر از همه اینها خود فضای بازار نمود و باز نمودی از فرهنگ آذربایجانی است: هنر (معماری)، مناسک (مناسبت‌های فرهنگی)، اجتماعات (قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، مدارس)، اقتصاد سنتی و ... ورود به راسته‌ها، دالان‌ها، تیمچه‌ها، سراها و دیگر فضاها و اماکن بازار بیننده را به درک تغییر نسبتاً زیاد فضای بازار از بیرون وامی‌دارد؛ در واقع بازار نمونه‌ای از بافت محلات و فضاهای اصیل شهری تبریز است، به همین سبب از مکان‌هایی است که در آن می‌توان هویت تیریزی را ملاحظه کرد.

بازار شهر تبریز به عنوان یکی از مهمترین عناصر شهری باعث گردیده تا همواره بعنوان هسته اصلی و مرکزی شهر قرار گرفته و بافت شهر نسبت به این هسته مرکزی به صورت شعاعی شکل بگیرد (اسمعیلی سنگری، ۱۳۸۶: ۳۸). همچنانکه بازار مرکزیت کالبدی در شهر دارد و محلات دیگر (خصوصاً محلات قدیمی) در لایه‌های متحدالمرکزی بر حول آن شکل گرفته‌اند، مرکزیت تحولات اجتماعی و تاریخی مهم شهر نیز عموماً در بازار رخ داده و به کل شهر جریان می‌یابد. بازار به مثابه تصمیم‌گیرنده در برابر رویدادهای مهم جامعه تبریز، محلی برای گردهم‌آیی نخبگان مردمی است. نوع رویارویی با انواع اتفاقات به میزان زیادی در بازار تعیین شده و به دلیل پیوندهای درونی و بیرونی بازاریان به سرعت در سطح شهر منتشر می‌شود و عموم شهروندان آگاه می‌شوند. قدرت عظیمی که بازار به عنوان سازماندهنده نیروهای اجتماعی داراست آن را در مرکز تحولات فرهنگ شهری قرار می‌دهد.



نمایی از بازار تبریز (مأخذ: سایت بازار تبریز)

حوزه فرهنگ: وارثان و انتقال‌دهندگان فرهنگ سنتی شهر، عمدتاً ساکنانی هستند که در محلات قدیمی شهر زندگی می‌کنند و می‌توان در وجوه مادی و معنوی شیوه زیست آنان نمودهای این فرهنگ را یافت. هنرمندان، دانشمندان، و چهره‌های برجسته اجتماعی و فرهنگی شهر، عمدتاً ریشه در این محلات داشته‌اند. همچنین از اشاعه‌دهندگان فرهنگ تبریز می‌توان به مکان‌هایی اشاره کرد که در گذشته نقش اساسی در بازآفرینی و بازتولید آن داشته‌اند همچون ارک تبریز (معروف به ارک علیشاه)^۳. ارک، علاوه بر کارکرد نظامی پیشین خویش که در مراحل بعدی تکامل شهر از دست داده است، کارکرد فرهنگ معنوی‌ای را انجام می‌داده است.

سالن تئاتر ارک به عنوان مکانی برای تجمع اجتماع شهری برای بازآفرینی نظام‌های فکری در قالب انواع هنرهای نمایشی همچون موسیقی، شعر و تئاتر بوده است. در دهه‌های گذشته، «تئاتر در قالب نهادهای هنری منظم و سازمان‌یافته، توانسته بود جریان فرهنگی نیرومندی در متن اجتماعی آن ایجاد کند» (رنجبر فخری، ۱۳۸۳: ۱۱). اجرای گروه‌های موسیقی آشیقی و موعامی که بخش اعظم ادبیات شفاهی فرهنگ معنوی آذربایجان را تشکیل می‌دهند، به بازخوانی مهم‌ترین ابعاد و مسائل زیستی می‌پردازد؛ آشیق‌ها به مثابه ذخایر فرهنگی به بازگویی عناصری از داشته‌های فرهنگی می‌پرداختند که اصول سازمان‌دهنده حیات و هستی‌شناسی ویژه آذربایجان را در بر می‌گرفت. هنر آشیقی (که در قهوه‌خانه‌ها نیز اجرا می‌شد) فرهنگ اجدادی را در مخاطبان زنده کرده و آنها را از منابع غنی فرهنگی خویش آشنا می‌ساختند.

۳. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. هنر و مردم ۱۳۵۱: ش ۱۱۲: ۴۱-۴۶؛ صرداری و خیری ۱۳۸۱.



ارک علیشاه، کنسرت آتشیق‌ها (در بندی، ۱۳۸: ۷۸۸)

سالهای اخیر گسستی را در فرهنگ سنتی شهری تبریز به وجود آورده است. پیدایش و رشد روزافزون شهرک‌های اقماری و ورود عناصر بسیاری از زیست مدرن از یک طرف و بی‌توجهی نهادهای رسمی به بازتولیدکنندگی فرهنگ سنتی روندی را نشان می‌دهد که در آن بخشی از شهروندان به طور مداوم از ریشه‌های فرهنگی پیشین خویش جدا شده و به سبک زندگی غیر بومی‌ای در قالب فرهنگ مدرن شهری نزدیک می‌شوند.

حوزه جامعه: رونق مبادلات تجاری و فرهنگی تبریز و مرکزیت اقتصادی این شهر در طول سده‌ها از یک طرف، و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی بومیان از طرف دیگر به پیشرفت و گسترش نهادهای مدنی و اجتماعی تبریز منجر شده است. به‌ویژه در دوران قاجار، تبریز به‌سبب همجواری با روسیه و عثمانی و نزدیکی این شهر به راه‌های ارتباطی غرب، نقطه آغازین بسیاری از پیشرفت‌ها در سطح کشور بوده است. در این دوران بسیاری از جنبش‌های فکری، تحولات اجتماعی، اقتصادی و فنی و بسیاری از نهادهای مدنی پیش از تهران و دیگر نقاط ایران، در این شهر شکل می‌گرفت. از این‌رو تبریز همواره به عنوان **شهر اولین‌ها** در فرهنگ شهری یاد می‌شود. شهر تبریز، پیشرو در بنیانگذاری عناصر زیست و فرهنگ شهری در ایران است که از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (سرداری-نیا، ۱۳۸۶):

- صنعت چاپ توسط عباس‌میرزا (۱۸۱۱م)؛
- ترجمه کتب خارجی (۱۹۸ش) از زبان‌های انگلیسی و فرانسه؛
- نگارش نخستین رمان ایران توسط میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۵۳ش) با عنوان «ستارگان فریب‌خورده، حکایت یوسف‌شاه سراج» به زبان ترکی آذری؛
- آغاز ادبیات کودکان در حوزه نثر (میرزا عبدالرحیم طالبوف)، نظم (ایرج میرزا)، داستان (صمد بهرنگی) و انتشارات (جبار باغچه‌بان)؛
- ابتکار روزنامه‌های ملی با روزنامه «اختر» توسط سه تن از تبریزی‌ها (۱۸۷۵م)؛
- تأسیس نخستین کتابخانه عمومی توسط حاج میرزا حسن‌خان خازن لشکر (۱۳۱۲ق) در جنب مکتب‌خانه ارک؛
- تأسیس نخستین سینما به نام سینما سوئی (۱۲۷۹ش)؛

- نخستین نمایشنامه با عنوان «حکایت ملاابراهیم خلیل کیمیاگر» توسط آخوندزاده به زبان ترکی آذری (۱۸۵۰م) و تشکیل رسمی گروه تئاتر به نام «خیریه» (۱۲۹۱ش) با عضویت چلبی، شفیعزاده، مؤیدزاده، وکیلی، وهابزاده و عظیمزاده.
- پیشگامی در پزشکی نوین (میرزا حاجی بابا افشار به عنوان نخستین طبیب و محصل اعزامی)؛ تألیف، ترجمه و چاپ کتب پزشکی؛ نخستین دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی ایران و انستیتو پاستور.
- تشکیل نخستین شورای مردمی با عنوان «انجمن ایالتی آذربایجان» (۱۲۸۵ش) و نیز شکل‌گیری انجمن‌های محلات مختلف تبریز به مثابه شوراهای محلی پشتیبان انجمن ایالتی.
- بنیاد نهادن نخستین انجمن زنان توسط صاحب سلطان خانم و مادرش رقیه سلطان خانم (۱۲۸۵ش)
- تأسیس «بلدیه» تبریز به عنوان نخستین شهرداری ایران توسط انجمن شهر (قاسم‌خان والی به عنوان اولین شهردار) (۱۳۲۵ق)؛
- بنیانگذاری آموزش و پرورش نوین ایران توسط میرزا حسن رشیدی با ایجاد مدرسه‌های محله ششگلان، بازار، چرنداب، لیل‌آباد (۱۳۰۵ق)؛
- و ...

این همه نشان از شکل‌گیری اولین نطفه‌های حیات نوین شهری دارد که مردم و شخصیت‌های برجسته تبریز بانیان آنها بوده‌اند. فرهنگ و اجتماع شهری تبریز با ایجاد نهادهای ضروری برای زیست شهری در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... تعریف‌کننده شکلی نو از فرهنگ با عنوان «فرهنگ شهری جدید» بودند.

با این وجود شاید تبریز تنها شهری باشد که بیش از همه تجربه سختی‌ها و تیره‌روزی‌ها را کشیده باشد؛ هجوم و یورش لشکریان انواع حکومت‌ها در دوران‌های مختلف از یک طرف و بلایای طبیعی همچون زلزله‌های مکرر، سیلاب‌های مخرب، بیماری‌های مسری، قحطی‌های وسیع و ... از طرف دیگر همواره از ساکنان تبریز به عنوان ساکنانی مصیبت‌دیده ساخته‌است. اما با این وجود، تداوم فرهنگ اصیل آن در تمامی این اعصار نشاندهنده توان بالای فرهنگی و مقاومت کم‌نظیر افراد است. این وضعیت، خود را در ساخت معماری کوچه‌ها، گذرها، معابر به شکل تنگ و باریک و قرارگرفتن تبریز در درون قلعه‌ها و برج و باروها نمایش می‌دهد. شخصیت سخت‌کوش تبریزی‌ها نیز از نتایج چنین اوضاعی است. باز نمود این تصویر از تبریز در ادبیات شفاهی در قالب *بایاتی‌ها* قابل مشاهده است:

تبریز اوستی داشلی دیر تورپاغی زرقاشلی دیر

تبریزی اینجیتمه بین گوژلری قان یاشلی دیر

تبریز به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی خود محل تاخت و تاز حکومت‌های آشور و اورارتو بوده‌است، چنانکه همواره سایه لشکرکشی‌های خونین و اسارت‌های ننگین بر حافظه تاریخی ساکنین سنگینی می‌کرده‌است. مهم‌ترین زلزله‌هایی که در شهر تبریز رخ داده است در برخی موارد شهر را با خاک یکسان کرده و در موارد دیگر آسیب‌های کالبدی و انسانی عظیمی بر شهر تحمیل کرده‌اند (ده زلزله عمده ما بین سال‌های ۸۵۸-۱۷۸۶م رخ داده‌است^۴). آنچه در این میان برای یک انسان‌شناس می‌تواند بسیار مهم باشد این است که برغم این دو تخریب بزرگ اجتماعی و طبیعی، تبریزی‌ها در طول این تاریخ کهن توانسته‌اند عناصر و ساختار فرهنگ سنتی خویش را زنده کرده و به نسل‌های بعدی بسپارند. این پایداری فرهنگی می‌تواند در اثر دو عامل اصلی رخ دهد: ۱) اجداد آذربایجانی‌ها با مشقت تمام و با چنگ و دندان این میراث فرهنگی را حفظ کرده‌اند؛ ۲) فرهنگ از چنان ریشه‌های عمیق هویتی برخوردار بوده که توانسته مدت زمان مدیدی را زنده باشد. این مصائب خصوصاً اجتماعی و تاریخی گسترده را یکی از محققان برجسته آذربایجان با عنوان

۴. برای اطلاعات بیشتر درباره زلزله‌های تبریز ر. ک. ملوین، ۱۳۶۱؛ ویلسن، ۱۳۳۶.

«قبیله‌نشین قان یادداشی» به معنای نوشته‌های خونین قبیله یاد کرده‌است (سیدآوفا، ۱۳۸۴: ۱۶). نمونه‌ای دیگر از ادبیات شفاهی مردم آذربایجان در بیان این مصائب:

عزیزیم، قول دندیلر آدیما قول دندیلر

سوردولر حلب شاما یاریما قول دندیلر

۱. فرهنگ‌های زیست شهری تبریز (در حال حاضر)

در حال حاضر سبک زندگی شهری در تبریز را بایستی بر اساس طبقات مختلف اجتماعی- اقتصادی آن بررسی کرد:

طبقات بالا؛ مناطقی از تبریز همچون محله ولی عصر، شاه‌گولی، سهند، آبرسان، دامپزشکی و شهرک‌های اقماری مانند باغ‌میشه و رشدیه در بر گیرنده گروه‌های اجتماعی با سطح بالا یا متوسط رو به بالا از لحاظ اقتصادی هستند؛ چنین مناطقی عمدتاً در اراضی شرق تبریز واقع شده و عموماً محلاتی تازه ساخت با عمر بسیار کمی در قیاس با دیگر محلات شهر می‌باشند. این شهروندان عناصر کالبدی و فکری- رفتاری زیست مدرن شهری را در اختیار داشته و از این‌رو ریخت‌شناسی محل زیست آنها همچون مساکن، معابر، خیابان‌ها، مراکز تجاری، مراکز تفریحی، وسائل نقلیه از یک طرف و مشخصه‌های فردی همانند طرز پوشش، سبک گذران اوقات فراغت، مصرف کالاهای فرهنگی، شیوه‌های رفتاری- گفتاری در آنچه که می‌توان از آن به عنوان سبک زندگی مدرن یاد کرد می‌گنجد. این گروه اجتماعی به دنبال کسب و تجربه نوع زیست فرهنگ شهرهای مدرن دنیا هستند و لذا گسستی عمیق را با فضاها و نیز افراد و گروه‌های مناطق دیگر شهر به نمایش می‌گذارند.

ساکنان این گونه از محلات در نزد نسل‌های جدید به عنوان گروه‌های مرجع هنجار فرست تعریف می‌شوند؛ حضور در چنین محلاتی از سوی جوانان به مثابه تجربه لحظاتی هر چند گذرای فرهنگ مدرن شهری است. به همین سبب است که مراکز تفریحی، فراغتی و تجاری این محلات به عنوان مراکز تولید و مصرف کالاها و رفتارهای فرهنگی مدرن به کل شهر تبریز در نظر گرفته می‌شود. چنین مکان‌ها و فضاهایی را می‌توان در برخی از محورهای حرکتی و گذاری (عمدتاً خیابان‌ها و پاساژها) مرکزی شهر همچون محورهای اطراف دانشگاه تبریز، محور شهناز- میدان ساعت- آبرسان و ... نیز مشاهده کرد. خیابان‌ها و مراکز خریدی که جریان بازنمایی و انتقال محصولات مدرن را بر عهده دارند و بخش قابل توجهی از نسل جوانان را به خود جذب می‌کنند.

طبقات میانی؛ این گروه‌های اجتماعی که می‌توان گفت اکثریت شهروندان شهر را تشکیل می‌دهند، در پیرامون و لایه- های میانی شهر به مرکزیت بازار سنتی پراکنده شده‌اند. طبقات اقتصادی متوسط و تا حدودی نیز متوسط به پایین شهر را ساکنان قدیمی و اصیل تبریز تشکیل می‌دهند؛ ساکنانی که می‌توان آنها را تبریزی نامید در محلاتی چون قره‌آغاج، شام‌غازان، گامیشاوان، ورجی، خیوان، امیرقیز، راستاکوچه، اهراب، سنجران، ششگلان، چرنداب، چارمنار، مارالان، چوسدوزلار، یکه توکانلار، دوهچی، سیلاب، کوچ‌باغ، قیرمیزی باغ، قرباغلی‌لار، قوری‌چای، لکلر، لیلوا، منبع، مقصودیه، شتربان، نوبر، مهادهمین، گجیل و ... استقرار دارند؛ بسیاری از این محلات از جمله بافت‌های قدیمی تبریز بوده و تاریخ کهنی را در بر می‌گیرند. این محلات و ساکنان آن نقش حافظ و انتقال‌دهنده فرهنگ سنتی آذربایجانی را بر عهده دارند؛ شهروندانی که نسبت به فرهنگ اجدادی گذشته خویش علاقه داشته و هویت خود را در بازآفرینی سنت‌های دیرین آذربایجانی می‌دانند.

ریخت‌شناسی کالبدی این محلات نشان می‌دهد که هنوز هم بافت‌ها و معماری‌های قدیمی و بومی وجود دارند؛ حسی از آرامش سکونتی در اثر زیست سنتی با حضور در این محلات احساس می‌شود. بنابراین شیوه زیست شهری این گروه بزرگ فرهنگ شهری سنتی است. این بدین معنا نیست که این اهالی به شیوه‌های نامتناسبی با زندگی شهری برخورد می‌کنند؛ بلکه برعکس. در این محلات سعی بر حفظ و تداوم فرهنگ معنوی و مادی سنتی در درون روند رو به رشد فرهنگ مدرن شهری با الگوهای بیرونی است. شاید بتوان یکی از بهترین الگوهای بومی شهرنشینی را در این نوع از محلات یافت. زیرا این محلات سابقه دیرینه‌ای در تجربه زندگی شهری در نسبت با دیگر مناطق شهر دارند و لذا از دوران کهن با شیوه‌های زیست شهری آشنایی دارند. هم‌اکنون که مدل‌های شهرهای مدرن در حال تسری به کلان-

شهرهای ایران هستند، این محلات اصیل می‌توانند منشأ بسیار خوبی برای داشتن شهرهایی با هویت بومی باشند. این محلات اگر از پیکره شهر تبریز جدا شوند و یا در فرایند مدرنیزاسیون کالبدی هویت پیشین خود را از دست دهند، فرهنگ معنوی و به دنبال آن فرهنگ مادی آذربایجانی از بین خواهد رفت.

از این‌رو این محلات به مثابه روحی بر کالبد شهر تبریز هستند که بدون آنها سخن گفتن از فرهنگ تبریز بی‌معناست. بازسازی و بازاحیای این محلات که هویت اصلی شهر را تشکیل می‌دهند می‌تواند به بازتولید و استمرار فرهنگ اصیل شهری تبریز یاری رساند. اما بایستی اشاره کرد که خدمات و امکانات شهری از سوی سازمان‌ها عمدتاً از این محلات دریغ شده و در مناطق طبقات بالا تمرکز یافته‌اند و این امر به رشد بیشتر مناطق بی‌هویت بومی شهر و کم‌رونق شدن مناطق با اصالت منجر می‌شود. نوعاً بخشی از تعلق ساکنان به این محلات بومی به سبب اهمیت بخشیدن نهادهای دولتی ایجاد می‌شود، در غیر اینصورت بایستی در آینده شاهد تغییر کالبدی به سوی الگوهای جدید غیر بومی خواهیم بود که در نتیجه شهری بی‌هویت ساخته خواهد شد.

طبقات پائین و حاشیه‌نشین؛ مهاجرت‌های گسترده از روستاها و شهرهای استان به تبریز، باعث شکل‌بخشیدن به بزرگترین جمعیت حاشیه‌نشین در کل ایران در شهر تبریز شده‌است. جمعیتی بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ نفر که امروزه حدود یک‌چهارم جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند از تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی شهر تبریز محسوب می‌شوند. این محلات عمدتاً در بیرونی‌ترین لایه‌های سکونتی شهر واقع شده‌اند که بخش اعظم آنها در شمال (مناطق مشرف به عینالی داغی) و اندکی در جنوب شهر متمرکز شده‌اند و شامل محلاتی چون قربانی، سیلاب، ملازینال، احمدآباد، خلیل‌آباد، داداش‌آباد، عباسی، منبع، یوسف‌آباد، مارالان، آخماقیه و ... می‌شوند. مناطق حاشیه‌نشین شهر از حداقل‌ترین امکانات شهری نیز محروم بوده و از دیدگاه نهادهای شهری و دولتی کاملاً فراموش شده هستند.

مسائل اقتصادی مبدأ که اصلی‌ترین دلیل مهاجرت این افراد است، در مقصد نیز خود را بروز داده و به شکل‌بخشیدن نامتناسب و غیر اصولی بافت‌های مسکونی و کاری منجر شده‌است. لذا شیوه‌ها و معیارهای زیست شهری رعایت نشده و زندگی نامطلوب و غیر انسانی را برای اهالی رقم زده‌است. ناتوانی مادی ساکنان از یک سو و بی‌توجهی مدیران شهری از سوی دیگر باعث شکل نگرفتن مناسب فرهنگ شهری در این مناطق شهر شده و کالبدها و رفتارهای آسیب‌زایی را تولید کرده‌است. فرهنگ شهری تبریز بدون ترمیم‌بخشی به این مناطق نمی‌تواند شیوه زیست سالمی را تجربه کند.



نمایی از یکی از محلات حاشیه‌نشین؛ محله ملازینال (عکس از قاسم قربانی، ۱۳۸۵)

منابع

- پورحسین، ابراهیم، (۱۳۸۵)، **آذربایجان ولیعهدنشین**، تبریز: شایسته.
- رنجبر فخری، محمود (۱۳۸۳) **نمایش در تبریز: از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی**، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- اسمعیلی سنگری، حسین (۱۳۸۶) **تاریخ و معماری بازار تبریز**، تبریز: ستوده.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۶) **تبریز، خشتی استوار در معماری ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- علیدوست، محمد (۱۳۷۶) **معماری ایرانی از نگاه تصویر**، بر اساس طرح‌های فلاندن و کست، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فوران، جان (۱۳۸۶) **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران**، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- سرداری‌نیا، صمد (۱۳۸۶) **تبریز شهر اولین‌ها**، تبریز: نشر اختر.
- خاماچی، بهروز (۱۳۸۶) **شهر من تبریز**، تبریز: انتشارات ندای شمس.
- سیدوفا، میرعلی (۱۳۸۴) **آذربایجان خالقینین سوی کوکینی دوشونرکن**، تبریز: نشر اختر.

- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۸) **آذربایجان در سیر تاریخ ایران**، تهران: انتشارات مینا، جلد دوم.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۷) **تاریخ تبریز**، ترجمه عبدالعلی کارنگ، تبریز.
- رضازاد عموزین‌الدینی، مجید (۱۳۸۰) **تاریخ تبریز، از دوران باستان تا برآمدن مغولان**، تبریز: نشر اختر.
- Azimi, Nooreddin (1995) **Recent Urban Groth and Change in the Spatial Structure of Iranian Cities: The Case of Tabriz (1966-1991)**, PhD Thesis, Department of Geography, University of Ottaxa.

a_izadi_j@yahoo.com